

بررسی حقوق شهروندی با تأکید بر آزادی بیان در فقه و حقوق
سید مجتبی حکیم^۱ - علی فقیهی^{۲*} - سید حسین ابراهیمیان^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

چکیده:

حقوق شهروندی همان حقوق طبیعی کاملاً تکامل یافته در متن یک زندگی اجتماعی مدرن در قرن جدید و معاصر است به تعبیری عناصر اصلی حقوق شهروندی، ناظر به حقوق مطلق، دائم، ثابت و عینی بشر است و هیچ یک از افراد بشر در عدالت حاکمه از این حیث بر دیگری برتری ندارد و به بیان کلی تر حقوق شهروندی به منزله روحی واحد است که در قالب قوانین مختلف موضوعه تجلی پیدا می کند نه در چندی ماده، جداگانه که موضوع قانونی خاص باشد. حقوق شهروندی از حیث موضوع، در قانون اساسی بر دو دسته اصلی قابل تقسیم و تفکیک است؛ که شامل حقوق کلی و اساسی و حقوق اجتماعی که نیز شامل حقوق سیاسی، اداری، اقتصادی، فرهنگی و قضایی است. روش تحقیق در این مقاله مطالعه و استفاده از منابع اعم از مقاله یا کتب به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، آزادی بیان، فقه و حقوق، عدالت

JPIR-2101-1736

^۱ - دانشجوی دکتری فقه و حقوق، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

^۲ - استادیار فقه و حقوق، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران: نویسنده مسئول

ali.faghihi1304@gmail.com

^۳ - استادیار الهیات و معارف اسلامی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران

مقدمه

در فرهنگ فشرده فارسی به انگلیسی Citizenary یا citizenship به معنای شهروندان (رضایی-پور، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳) ساکنین، مردم، تبعیت آمده است (آریانپور کاشانی، ج ۱: ۱۷۵) و در فرهنگ دهخدا نیز گفته شده «ی» موجود در شهروندی یعنی هر چیز مربوط به شهروند، مانند حقوق شهروند و وظایف شهروند... (رضایی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۹) لذا «شهروند از یک‌سو دارای حقوق مذهبی، سیاسی است از سوی دیگر در برابر دولت تکالیف دارد به این رابطه شهروندی می‌گویند» (کامیار، ۱۳۸۶: ۳۸)

بنابراین می‌توان گفت: «شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین‌الملل نیز محترم شمرده می‌شود (همان) «هر چند ملیت را به معنای شهروندی بکار می‌برند ولی ملیت مفهوم وسیع‌تری دارد. شهروندی خاص افراد انسانی است.

شهروند را با اقامت دائمی نباید اشتباه کرد کسی چه بسا شهروند کشوری باشد بی‌آنکه در آن کشور اقامت داشته باشد در جوامع دموکراتیک شهروندان از حقوق و تکالیف یکسان در برابر قانون و نیز از حق مشارکت در امور سیاسی و عمومی برخوردارند. لذا شهروندی یکی از بهترین مبانی فکری دموکراسی است امروز در دنیا بر اینکه کشوری از لحاظ دموکراسی محک زده شود در ابتدا امر آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و چگونگی رعایت حقوق شهروندی در محاکم آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. زیرا حفظ و رعایت حقوق شهروندی یکی از بارزترین نشانه وجود دموکراسی است گرچه تعاریف شهروندی متعدد است، برخی شهروندی را طریق تکامل حقوق و تکریم آدمی با پشت سر گذاشتن دوران سیاه برده‌داری و نظام ارباب و رعیتی می‌دانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲۶۳) ولی برخی دیگر اعتقاد دارند «شهروندی یک موقعیت کامل فعالانه ولی با حفظ و رعایت حدود و موازین واقعی آن است که البته با سلطه-گری ناسازگار است می‌دانند. (کامیار، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۰-۴۰)

از نظر حقوق بین‌الملل هر کشوری آزاد است معیار شهروندی خویش را تعیین کند و برای یک کشور اسلامی شایسته و توانا مؤمنان هر جای کره‌ای زمین باشند شهروندان آن به شمار می‌آیند. بنابراین در نظام حقوقی و سیاسی ما حکومت صریحا دینی و مذهبی (اصل اول و دوم قانون اساسی) تعیین شده است و لذا حقوق شهروندی فقط در محدود فقه شیعه قابل قبول است. (همان)

حقوق شهروندی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر کاربرد آن در جامعه ایران نیز به نحو چشمگیری رو به افزایش نهاده است. اما این مفهوم در گفتمان حقوقی و سیاسی کاربرد

روشن و محتوای محصلی ندارد. هر چند پیدایش این مفهوم جدید و اقبالی که به آن شده، معنادار است. از این رو که حکایت از خواست عمومی برای به رسمیت شناختن حقوق بیشتر دارد. حقوقی که در مجموعه حقوق قبلی نیستند یا ناکارآمدند (سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۱۳) بنابراین بررسی و گفتگو پیرامون این موضوع می‌تواند جایگاه مهمی در میان پژوهش‌های حقوقی داشته باشد. روش تحقیق در این مقاله مطالعه و استفاده از منابع اعم از مقاله یا کتب به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

مرور سوابق حقوق شهروندی تفاوت‌ها و ابهام‌هایی را در تعریف حقوق و شهروندی نشان می‌دهد. با وجود این تأکیدات کم و بیش مشترک دیدگاه‌های مختلف را می‌توان دست مایه‌ای برای استنتاج و ارائه یک تعریف قابل دفاع از حقوق شهروندی قرار داد که رابط فرد با دولت است و زمانی معنا پیدا می‌کند که دولت حقوق فرد را به رسمیت شناخته و آن را رعایت نماید و فرد نیز نسبت به دولت تعهداتی را بر عهده گیرد. (کاظمی، ۱۳۸۸)

محسنی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان (ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی) بیان داشت: اساساً حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می‌شود. شهروند در جوامع دموکراتیک به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. شهروندی به‌عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن فراگیر، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و موثر در مشارکت همگانی فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است. حقوق شهروندی که مبتنی است بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و به‌عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است. موانع و مشکلات اجرای حقوق شهروندی در ایران، بیش از هر عواملی معطوف به عدم تبیین جایگاه حقوق شهروندی، فقدان آموزش حقوق شهروندی و عدم نهادینه شدن آن در لایه‌های متعدد اجتماعی است.

طالب زاده (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان (حقوق شهروندی: عدالت و نظم عمومی) بیان داشت: حقوق شهروندی به عنوان مجموعه حقوق تعریف شده فرد با عنوان شهروند به مفهوم رکن فرمانبردار و تاثیرگذار جامعه سیاسی در برابر دولت با لحاظ فاکتور ارتباط این دو در قالب

تابعیت و نهایتاً یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون با عنایت به رابطه نامتقارن بین قدرت ناب سیاسی و فرد مشخصاً با مفاهیم عدالت و نظم عمومی اشتراک پیدا می‌کند که با تحلیل این مفاهیم به نظر می‌رسد حقوق شهروندی به‌عنوان نموده‌ها و مصادیق مفهومی از عدالت که در مقام عمل تراحم با نظامات اجتماعی مربوط به نظم عمومی پیدا می‌کند مطرح می‌گردد لحاظ مبنایی، غایات و کیفیت طرح این مسایل گفته‌های فوق را تأیید می‌نماید البته لحاظ نسبت در تمامی مفاهیم سه‌گانه عدالت، نظم عمومی و حقوق شهروندی همانند سایر مفاهیم علوم انسانی مانع از این امر است که فرض فوق را مورد تأکید قرار داد ولی لحاظ تعاریفی نسبتاً مقبول از این مفاهیم موید امر خواهد بود.

مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مجموعه مقررات و قوانینی است که در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی جهت اتباع یک کشور به طور یکسان در نظر گرفته شده و این افراد در مقابل، مکلف به مساعدت مسئولانه در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) هستند. در واقع حقوق شهروندی روایتی است تازه از حقوق طبیعی، یعنی حقی است که لازم و ملزوم طبیعت انسانی است به عبارت بهتر به واسطه حیثیت انسانی و به جهت کرامت ذاتی که خاص اوست دارای یک سلسله حقوق و آزادی‌هایی شده از قبیل حق حیات، حق احترام، حق آزادی، حق مساوات و حق امنیت و ... این حقوق عطیه کسی نیست تا کسی بتواند آن را بازپس گیرد، بلکه هدیه‌ای است الهی و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی این حق را اعطا نمی‌کند این حقوق غیرقابل انتقال، غیرقابل نقض، غیرقابل تعلیق و غیرقابل انفکاک از ذات بشرند. دارای خاصیت همگانی و جهان شمولند و هر فرد بشر در هر کجا که باشد با هر نژاد، جنس، زبان و دین از این حقوق برخوردار خواهد بود و در نهایت این حقوق، ذاتی، فطری و مربوط به طبیعت انسان‌هاست و به هیچ قرارداد و وضعی وابسته نیست. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵)

مفهوم آزادی بیان

یکی از انواع آزادی، آزادی بیان است که می‌توان آزادی بیان را اینگونه تعریف کرد: «آزادی بیان حق طبیعی است که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن خود به طور یکسانی از آن برخوردار و به موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجازند».

بر اساس این تعریف، اولاً: آزادی بیان یک حق طبیعی برای همه افراد انسان است و ثانیاً همه افراد به‌طور یکسان از آن برخوردارند که می‌توانند اندیشه و فکر خود را ابراز کنند و ثالثاً

محدود به دو چیز است اول: موجب نقض حقوق دیگران نشود. دوم: موجب نقض اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود.

برخی گفته‌اند: آزادی بیان به این معناست که افراد گذشته از اینکه به خاطر دانستن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی نباید تحت پیگرد قرار گیرند. بلکه باید بتوانند در عمل عقیده خود را ابراز نمایند و برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر درباره آن تبلیغ کنند.

مبنای این تلقی از آزادی بیان آن است که تعارض افکار از نظر علمی و سیاسی موجب رشد علم و افکار مردم است و می‌تواند منافع زیادی برای جامعه دربر داشته باشد چنانکه سلب این آزادی موجب رکود افکار و علوم بشری است و در نتیجه سبب اختلال حرکت تکاملی جامعه و افراد می‌گردد. برخی نیز گفته‌اند آزادی بیان به معقول و نامعقول تقسیم می‌شود و در آغاز به انواع آزادی بیان به وجه نامعقول می‌پردازد و سپس به وجه معقول آن اشاره می‌کند.

حقوق شهروندی

برای روشن شدن بهتر حقوق شهروندی به تعاریف متعدد آن می‌پردازیم تا مشخص شود مراد از حقوق شهروندی در ابتدای امر چیست.

تعریف اول: دکترین قانون بیان اراده عمومی حقوق شهروندی را شامل می‌شود این بدین معنا است که تمامی شهروندان حق دارند شخصاً یا توسط نمایندگان حقوق بشر مشارکت کنند. حقوق بشر از آغاز به طور ذاتی به حقوق شهروند پیوسته است. (رضایی‌پور، ۱۳۸۶: ۴۴)

تعریف دوم: حقوقی است که به عناوین مختلف در بعضی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته. بنابراین هر شهروند ایرانی نیز حق دارد از تمام آنچه که در قانون اساسی یا قوانین عادی برای او به رسمیت شناخته شده بهره‌مند گردد و تکلیف حکومت است که زمینه بهره‌مندی از این حقوق را برای هر عضو خانواده بزرگ ایران فراهم کند؛ چرا که حق شهروند ایران است که از این حقوق بهره‌مند شود. (رحمتی، ۱۳۸۴: ۸)

تعریف سوم: حقوقی است برای اتباع کشور در ارتباط با موسسات عمومی مانند: حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن، بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است و شامل حقوق مدنی و اجتماعی نیز می‌شود. (کامیار، ۱۳۸۶: ۴۱)

تعریف چهارم: پروفیسور هومی فیلد تعریفی از اصطلاح حقوق شهروندی بیان کرده است.

۱- به معنای دقیق کلمه چیزی است که فرد با داشتن تکلیف در قبال دیگری مستحق آن است. ۲- شخص به‌خاطر مصونیت مستحق آن است. ۳- انسان موضوع حقوق شهروندی است. ۴- قدرت با هدف ایجاد رابطه حقوقی. (رضایی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۳)

حقوق کلی و اساسی شهروندان در پنج اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شامل اصل نوزدهم، بیستم، بیست و دوم، چهارم، پانزدهم، با بندهای ۲، ۳، ۷، ۸، ۱۴ از اصل سوم مورد بررسی قرار گرفته است. (همان) بنابراین برای موضوع حقوق شهروندی به مصادیق حقوق شهروندی که همان ابعاد حقوق شهروندی از قبیل سیاسی، مذهبی، مدنی و غیره است؛ باید اشاره کرد. به عنوان مثال برخورداری از حقوق فرهنگی در اصل ۱۵ قانون اساسی تأکید شده است. اصل سوم به آزادی سیاسی، اجتماعی، مشارکت، امنیت قضایی، تساوی عمومی اشاره می‌کند. اصل ۲۷ و ۲۳ آزادی عقیده، بیان تشکیل احزاب انجمن سیاسی می‌پردازد، حقوق قضایی در اصول ۲۲ و ۲۳ و ۳۵ و ۳۶ آمده است. بنابراین موضوع حقوق شهروندی بسیار زیاد است. لذا در بسیاری از کشورها مواردی از حقوق را ذیل عنوان حقوق شهروندی قرار می‌دهند که جنبه قضایی دارند. از این‌رو اصول ۳۲ و ۳۳ و ۳۵ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ تنها اصولی از قانون اساسی هستند که به موضوع حقوق شهروندی پرداخته‌اند. (مفتاح، سایت باشگاه اندیشه)

لذا موضوع حقوق شهروندی بسیار وسیع و گسترده می‌باشد زیرا حقوق شهروندی با توجه به اینکه دارای ابعاد گوناگونی مانند: مذهبی، سیاسی، مدنی، قضایی، اقتصادی و... است و هر کدام دارای مسایل و موضوعات گوناگونی برای تأمین بخشی از نیازهای جامعه می‌باشد لذا مسلم است که موضوع حقوق شهروندی بسیار گسترده می‌باشد و تنها به اصول و بندهای قوانین اساسی و عادی ختم نمی‌گردد. بلکه موضوع حقوق شهروندی موارد و مسایل گوناگونی را شامل می‌شود.

اهداف حقوق شهروندی

هدف هر اجتماع خوشبختی همگانی است. حکومت برای آن به وجود آمده تا استفاده از این حقوق طبیعی و زوال ناپذیر را برای انسان تضمین کند.^۱ این حقوق عبارتست از: قانونیت، آزادی، امنیت، مالکیت از جمله هدف‌های قانونگذاری که ناظر بر روابط افراد جامعه با حاکمیت بر آوردن نیازهای انسان به گونه‌ای که برآوردن این نیازها موجب تعدی و تجاوز به دیگران نگردد. (رضایی‌پور، ۱۳۸۶: ۵۱ تا ۵۴)

^۱ - ماده ۱، اعلامیه حقوق بشر و شهروند قانون اساسی، مصوب ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ فرانسه.

نیاز اولیه انسان نیاز مادی است که شامل خوراک، پوشاک و مسکن مناسب می‌باشد. با بررسی قانون اساسی روشن می‌شود که اصول ۴۸، ۴۷، ۴۱، ۲۹ و بندهای ۱ و ۲ اصل چهارم و سوم و بند ۱۲ اصل سوم به منظور تأمین نیازهای مادی و جسمانی شهروندان وضع شده است که شامل خوراک، مسکن، پوشاک، بهداشت، درمان، کار، بازنشستگی، بیکاری، از کار-افتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح است.

نیاز به امنیت: اصول ۴۰ و ۳۹ و ۳۸ و ۳۷ و ۳۶ و ۳۵ و ۳۴ و ۳۲ و ۲۲ و بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی ناظر بر تأمین نیاز امنیتی انسان است. نیاز اجتماعی: اصول ۵۶ و ۳۳ و ۳۰ و ۲۰ و ۷ و ۶ قانون اساسی و همچنین بند ۲ اصل ۳ تأمین‌کننده نیازها اجتماعی شهروندان است. نیاز به احترام و تکریم: اصول ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۵ بندهای ۷ و ۸ اصل سوم و بند ۴ اصل ۴۳ به منظور تأمین این دسته از نیازها وضع گردیده است.

نیاز به خودیابی و خود شکوفایی مادی و معنوی: بند ۳ اصل ۴۳ و بند ۱ و ۴ و ۹ اصل ۳ تنها مواردی که در جهت تأمین نیاز می‌توان قلمداد شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حقوق شهروندی در جامعه اهداف اجتماعی که موارد زیادی را شامل می‌گردد که برخی از آنها عبارت است از: احترام به حقوق تک تک شهروندان، فراهم آوردن زمینه شناخت حقوق متقابل مردم و مسئولین ایجاد رابطه محکم بین شهروندان و حاکمیت، پاسخ به نیازهای اولیه شهروندان توسط دولت، آگاهی و تقویت و ترویج حقوق شهروندی در جامعه، به وجود آوردن احساس مسئولیت برای شهروندان در انجام وظایفشان و اموری دیگر از اهداف حقوق شهروندی می‌باشد. (رضایی‌پور، ۱۳۸۶: ۵۱ تا ۵۴)

ویژگی‌های حقوق شهروندی

۱- هدیه‌ای است الهی؛ بنابراین جز حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است و از صفات انسانی محسوب می‌شود. وابستگی به هیچ قرارداد و صنفی ندارد و هیچ مقام بشری مقام بشری از جمله حکومت‌ها یا مقامات مذهبی این حقوق را هدیه نمی‌کنند.

۲- غیرقابل انتقال و از انسان انفکاک‌ناپذیر است چرا که بدون آن فرد را نمی‌توان بشر (به معنی واقعی کلمه) نامید.

۳- تقسیم‌ناپذیر است و نمی‌توان به خاطر تشخیص در کم‌اهمیت بودن یا عدم ضرورت، آن را از کسی سلب کرد.

۴- عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگرند و نیز متمم و مکمل هم.

۵- جهانی است زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد در هر مکان که باشد و

از هر رنگ و نژاد، جنس زبان و مذهبی که باشد استحقاق برخوردار از آن را دارد و کسی نباید مجبور به دست آوردن آن باشد. (رضایی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۲)

۶- ویژگی دیگر شهروندی این است که شهروندان رسماً از عضویت مشروع و برابر در یک جامعه بهره‌مند می‌شوند و هیچ عاملی نمی‌توان عضویت مشروع را سلب یا برای آن سلسله مراتبی قرار دهد. (کامیار، ۱۳۸۶: ۴۰)

شهروندی و چهار بهره آن

در شرح مفهوم شهروندی گفته‌اند که بر این نهاد چهار اثر مرتبت است.

۱- حق آزادی عمل برای شهروند ۲- حق حمایت از جان و مال ۳- مسئولیت شهروند در برابر گروه شهروندان ۴- عضویت در گروه اجتماعی، سیاسی به معنای حق. شرکت فعال در زندگی سیاسی جامعه که این امر بارزترین خاصیت و بهره شهروندی به شمار می‌آید. (خلیلیان، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

دیدگاه‌هایی درباره حقوق شهروندی و حقوق بشر

دیدگاه نخست که مربوط به هانتینگتون است بر این نظر است که نگاه عمومی یک کشور بر کل کشورها غالب شود از این منظر الگوی آمریکایی حقوق بشر باید بر همه کشورها حاکم گردد.

دیدگاه دوم را مدرنیست‌ها دارند آنها بر این عقیده‌اند که اصول حقوق شهروندی جهان شمول است و نمی‌توان از حقوق بشر مربوط به یک کشور یا جامعه سخن گفت.

دیدگاه سوم پست مدرن‌ها با تأکید بر مسائل منطقه‌ای و ویژگی‌های فرهنگی اجتماع برای هرکس و هر جامعه‌ای نسخه خاصی می‌پیچند. علاوه بر این دیدگاه‌ها، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که عبارت است از: گفتمان فردگرایی لیبرال، گفتمان اجتماع‌گرایی، گفتمان جمهوری‌گرایی، گفتمان فمینیستی، که این دیدگاه نظری در دو دهه اخیر در حوزه حقوق شهروندی رخ داده و صاحب نظرانی از این گفتمان دفاع می‌کنند و برخی نیز به نقد این نظریات می‌پردازند در زیر به طور خلاصه چکیده‌ای از این دیدگاه‌ها بیان می‌شوند. (صالح مفتاح، محمد، سایت باشگاه اندیشه)

گفتمان فردگرایی لیبرال

این دیدگاه بیان می‌کند که حاکمیت باید زندگی افراد و منافع‌شان و حق مشارکت سیاسی در زندگی اجتماعی‌شان را به رسمیت بشناسد؛ در این نظریه افراد کارگزاران اخلاقی مسئول و خود مختار هستند که هدفشان تأمین زندگی خوب است؛ نظام سیاسی آزادی‌های فردی و

شهروندی و زندگی خوب را فراهم می‌آورد.

گفتمان اجتماع‌گرایی

بیان می‌کند که فرد بدون اجتماع، فردی منزوی، بدون هدف و سرگردان است. فرد در اجتماع به اهداف و مقاصد خود می‌رسد و وضعیت‌مند می‌شود در این گفتمان به برابری در قانون، حق رأی، پرداخت مالیات به دولت، مشارکت در زندگی اجتماعی تأکید می‌شود.

گفتمان جمهوری‌گرایی

سیاست‌هایی فردگرایانه را نمی‌پذیرد؛ افراد باید در فعالیت‌های اجتماعی درگیر شوند و در شهروندی‌شان سهیم باشند و وظایف و تکالیف خود را بشناسند علاوه بر این تحقق شهروندی با فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی می‌باشد که آرمان دموکراسی است.

گفتمان فمینیستی

این گفتمان به نقد برتری مردان در برابر زنان می‌پردازد و سلطه مردان بر زنان را نفی می‌کند و همه را در برابر اجتماع و قانون یکسان می‌بیند و شایستگی را ملاک امتیاز اجتماعی می‌داند.

رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی زیر مجموعه علوم سیاسی Political science قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در بر می‌گیرد و از این‌رو به حقوق سیاسی و حقوق عمومی به معنای اخص نزدیک می‌شود. اما این معانی حقوق شهروندی را از حقوق بشر چندان جدا نمی‌کند و البته این دو مفهوم چندان مشابهت دارند که اشتراکشان تمایز را مشکل می‌کند. در تفکیک حقوق بشر و حقوق شهروندی حق در مفهوم اصلی و واقعی خود با سه چیز مشخص می‌شود.

۱- گیرنده یا دارنده: حقوق بشر، موجودی است که با عضویتش در جامعه انسانی به عنوان جهان‌وند از آن منتفع خواهد بود در حالی که دارنده حقوق شهروندی، شهروند (به تعریفی که ذکر شد) است.

۲- مخاطب آن: حقوق بشر، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب خود قرار می‌دهد و توصیه و فرمان می‌دهد؛ در حالی که حقوق شهروندی اجتماع یا افراد خاصی را در محدود یک دولت، کشور خطاب می‌کند.

۳- موضوع آن: مفاهیم حقوق بشر، عموماً ما بعدالطبیعه هستند و از این‌رو کلی و دارای

ابهاماتی اساسی‌اند اما حقوق شهروندی از آن‌رو که مستقیماً با مردم و اجرا مواجه‌اند دارای ابهام نیستند و بر اساس همان مبانی حقوقی ایجاد می‌شوند و موضوع حقوق شهروندی حقوق هر شهروند ساکن در جامعه معین می‌باشد.

دیدگاه دیگر عدم تنافر میان حقوق بشر و شهروندی است و از این نظر تفاوت ماهوی میان این دو نیست و به نظر می‌رسد که این دیدگاه در قوانین موضوعه ایران نیز جاری شده است. برخی اساتید دیگر به این اعتقاد دارند که هر چند تنافر کلی میان حقوق بشر و شهروندی وجود ندارد اما بسیاری از کشورها مواردی از حقوق را ذیل عنوان حقوق شهروندی قرار می‌دهند که صبغه قضائی دارند. (صالح مفتاح، محمد، سایت باشگاه اندیشه)

با وجود این جداسازی مفهومی باید گفت که این تفکیک کار بسیار مشکل است و در اعلامیه‌ها حقوق بشر این دو در هم آمیخته‌اند شاید بتوان گفت که «به حقوق بایسته بشر تنها از طریق کسب حقوق شهروندی می‌توان دست یافت» در تعریف شهروندی باید به بستری که شهروند در آن اعمال می‌شود توجه بسیاری شود. اما نباید چنین تصور شود که به بهانه معین بودن هر فرهنگ اجتماعی می‌توان حقوق شهروندی و آزادی سیاسی و... را پیمال کرد. زیرا حقوق و وظایف شهروندی نیز برای خود دارای معیارهای همگانی و جهانی است اما روشن است که حقوق و وظایف و آزادی‌های سیاسی و امکان مشارکت فرد در تعیین سرنوشت جامعه تابع ویژگی‌های آن اجتماع است بدین خاطر مثلاً نمی‌توان قانون اساسی نوشت و کشورها را وادار ساخت تا آن را مبنای کار خود قرار دهند.

اما در مورد حقوق بشر چنین مسائلی نیست زیرا حقوق بشر وضع قوانین خاص نیست بلکه حقوق طبیعی و بالفطره هر فرد است. این حقوق نه از زمره حقوق قانونی بلکه از زمره حقوق اخلاقی هستند. اهمیت جدایی حقوق شهروند و حقوق بشر اهمیتی نظری است اما در هم آمیخته دیدن حقوق بشر و حقوق شهروندی اهمیت عملی دارد. (رضایی پور، ۱۳۸۶: ۲۰۱ تا ۲۰۴)

کانت می‌گوید: انسان به عنوان موجودی که صرفاً با عضویتش در جهان انسانی بدون توجه به رنگ نژاد زبان، دین و دولتی خاص به عنوان شهروند جهان انسانی از حقوق بشر برخوردار می‌شود. لذا می‌توانم بگویم بین دو کلی شهروند و بشر از لحاظ منطق ارسطویی نیز رابطه تساوی به این صورت که هر بشری شهروند است و هر شهروندی بشر است برقرار است.

حقوق شهروندی بر مبنای مساوات در فقه و حقوق اسلامی

با توجه به اینکه ناله تمام مردم و شهروندان جوامع از اعمال نفوذهای، حق‌کشی‌ها، تعلق‌ها، جانبداری از ستمگرها، تبعیض‌ها بلند است اسلام شاه و رعیت، فقیر و غنی، شریف و وضع،

سیاه و سفید، زن و مرد، همه و همه را در برابر قانون مساوی می‌داند؛ نخست باید بدانیم که معنای مساوات چیست.

تعریف مساوات

مقصود از مساوات آن نیست که همه انسان‌ها با یکدیگر تمایز و تشابه تام و کامل دارند و نیز منظور آن نیست که انسان‌ها عین یک دیگریند منظور از تساوی؛ مساوات در همه ابعاد انسان‌ها نیست بلکه با نظر به ابعاد گوناگون انسان‌ها، آنان در ارتباط با یکدیگر از سه قسم همانندی و تساوی برخوردارند.

نوع یکم: تساوی در ارتباط با مبدأ و اصول عالیه هستی.

نوع دوم: تساوی در ماهیت و مختصاتی که همه انسان‌ها دارای آنها هستند.

نوع سوم: تساوی قراردادی در برابر حقوق طبیعی و وضعی و دیگر قوانین که برای تنظیم

زندگی طبیعت حیات انسان‌ها ضرورت دارد. (بسته نگار، ۱۳۸۶: ۲۱۰)

منظور از اصل تساوی برابر بودن تمام افراد ملت از لحاظ حقوق و وظایف است اهم موارد تساوی عبارتست از: تساوی در برابر قانون، در پرداخت مالیات... منظور از اصل تساوی برابر قانون این است که؛ تمام قوانین کشور اعم از مدنی و جزایی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی، برای تمام افراد یکسان باشد. میان دارا و ندار، زن و مرد، ترک و فارسی، شهری و روستایی، کارگر و صنعتگر تفاوتی قائل نباشد. (مدنی، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۷)

تساوی شهروندان در قرآن کریم (به عنوان منبع اصلی در فقه)

قرآن خلقت انسان‌ها را همگون و ریشه همه انسان‌ها را از یک پدر و مادر می‌داند و تفاوت‌های صوری را امری خارج از کرامت مشترک انسان‌ها می‌شمارد و هرگونه تمایز و افتخار و تفوق - طلبی را در ضحی حیات اجتماعی بدور از عدالت تلقی می‌کند و تنها راه کسب امتیاز راه تقوا و فضیلت می‌داند. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۸)

الف: تساوی در خداوند «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» روم/ ۴۰ خداوند است که شما را آفریده است.

ب: تساوی در روح الهی «نَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُوْحِهِ» السجده / ۹ از روح خود در او دمید.

ج: تساوی در کرامت ذاتی «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» اسراء/ ۷۰ تحقیقاً ما فرزندان آدم را تکریم نمودیم.

د: تساوی در کرامت ارزشی «إِنَّا كَرَّمْنَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَ كَرَّمْنَاكُمْ» حجرات/ ۱۳

با کرامت‌ترین شما انسان‌ها در نزد خدا با تقویت‌ترین شماسست.

پ: تساوی در نطفه «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نَطْفَةٍ» نحل/ ۴ انسان را از نطفه خلق کرد.

تساوی شهروندان در روایات

در روایات نیز اصل مساوات تأکید شده است.

امام علی^(ع) نیز درباره مساوات در داوری می‌فرماید: «حق را درباره هر کس که لازم است چه نزدیک چه دور، خویش و بیگانه اجرا کن» و آنگاه قضات را خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: بر شما باد عدل و داد درباره دوست و دشمن و بر اهل قبله ستم مکن و بر اهل ذمه ظلم روا مدار(بسته نگار، ۱۳۸۶: ۲۲۹) در روایت نبوی آمده است «لا تُهْلِكُ اُمَّتِي حَتَّى يَكُونَ بَيْنَهُمُ التَّمَايِلُ وَ التَّمَايِزُ» امت من نابود نخواهد شد مگر زمانی که در میان آنها جانب‌گرایی و تبعیض حکمفرما شود.

پیامبر فرمود: «الناس كلهم سواء كاسنان المشط» یعنی مردم مانند دندان‌ها شانه با هم برابرند.^۱

اصل مساوات یکی از اصول اساسی حقوق اسلامی است که نیازی به هیچ دلیل ندارد.^۲

تساوی شهروندان در قانون

در اصول مختلف قانون اساسی و منشورها بین‌المللی به اصل تساوی پرداخته شده است. اصل ۸ متمم قانون اساسی انقلاب مشروطیت می‌گوید: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهد بود.

اصل ۱۹ قانون اساسی می‌گوید: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ نژاد و زبان مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

بند ۱۴ اصل سوم نیز می‌گوید: تأمین حقوق همه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عمومی در برابر قانون.

ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از جهت نژاد، رنگ، جنس زبان، مذهب، عقیده، سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت یا وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و همه آزادی‌ها ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد.

اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید: «همه افراد ملت... یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی

^۱ - من لا یحضره الفقیه، ص ۵۷۹، الامام علی صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، ص ۱۴۵. به نقل از: بسته نگار، محمد. حقوق بشر از

منظر اندیشمندان، ص ۲۷۳

^۲ - همان

برخورد دارند و بند ۹ اصل سه قانون اساسی به رفع تبعیض اشاره می‌کند. بنابراین در قوانین بین‌المللی و داخلی بر اصل برابری تأکید و تمجید شده است. بر مبنای چنین اصول قانونی و حقوقی است که حقوق شهروندی می‌تواند اصل مساوات را در تمام جنبه‌ها زندگی اجتماعی جامعه عمل ببوشاند.

حقوق شهروندان بر مبنای عقلانیت در قرآن و روایات

عقل در معنا همان نقطه مقابل جهل است جهل جز تاریکی و ظلمت چیزی را به همراه ندارد. عقل بهترین چراغ هدایت و سعادت بشریت است که بشر با اتکا به آن می‌تواند به بلندترین قله با صفای انسانیت برسد. (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۵۲)

حال بشر امروز به حدی از رشد و بلوغ فکری رسیده است که راه راست را از ناراست بشناسد و به نیازهای اجتماعی از جمله: حقوق شهروندی خود پی ببرد تا بر اساس عقل خود قوانینی را وضع نماید که حافظ منافع هر شهروندی در جامعه باشد و نیازهای فطری و معنوی و مادی شهروندان با وضع چنین قوانینی که عقل ضرورت آن را اجتناب‌ناپذیر می‌داند برآورده سازد؛ پس این عقل است که انسان را به حرکت در می‌آورد و به سوی کمال سوق می‌دهد.

قرآن کریم و روایات نیز در مناسبت‌ها گوناگون عقل را سرمایه بزرگ می‌داند و انسان‌ها را به پیروی از دستورات عقلیه امر می‌نماید برای مثال قرآن در سوره بقره آیه ۴۴ و ۷۶ می‌فرماید: « افلا تعقلون » چرا تعقل نمی‌کنید.

در سوره حج آیه ۴۶ آمده « افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها » یعنی آیا به راه نمی‌افتند تا دلی پیدا کنند تا بدان وسیله عقلشان را براه اندازند.»

پس عقل اقتضا دارد که قوانین وضع شود که بخشی از حقوق شهروندان را مورد حمایت قرار دهد تا بشر به سعادت برسد. چرا که سعادت شهروندان مورد اتفاق تمام ادیان الهی از جمله دین اسلام و هدف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز سایر قوانین بین‌المللی و به طور کلی هر حکومتی می‌باشد و همه قوانین بین‌المللی و اساسی و عادی بر مبنای چراغ عقل می‌باشد؛ عقلی که انسان را از ظلمت جهل به صراط مستقیم وا می‌دارد و دستور به حفظ حقوق آحاد شهروندان می‌دهد.

حقوق شهروندان بر مبنای مسئولیت متقابل در فقه و حقوق

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی‌اش داشته باشد. ایجاب می‌کند وی ناظر و مراقب همه امور باشد که در اطراف او و در جامعه‌اش اتفاق می‌افتد. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

در جامعه اسلامی هر شهروندی دارای یک سری حقوق و تکالیف متقابل نسبت به حکومت و هموعان و سایر شهروندان است در اسلام نیز همه شهروندان برادر و برابrand اگرچه ممکن است یکی برحسب وظیفه و تکلیف حاکم باشد و دیگری شهروند عادی. این به آن معنی نیست که مقام و درجه سبب برتری است بلکه هر که با تقواتر است نزد خدا گرامی‌تر است و این مورد در حکومت امام علی گواه مدعا ماست که او خود را یک شهروند عادی معرفی می‌کرد. در عین حال که خلیفه مسلمان بود و وظایف متقابل خود را نسبت به حکومت انجام می‌داد.

مسئولیت متقابل شهروندان در قرآن کریم

قرآن کریم در سوره آیه ۷۱ می‌فرماید: «المؤمنون و المومنات بعضهم من بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر» یعنی مردان و زنان مومن از یکدیگرند؛ همدیگر را به عمل پسندیده و سودمند و می‌دارند و از اعمال ناپسند باز می‌دارند.

مسئولیت متقابل شهروندان در روایات

اجتماعی بودن انسان‌ها، ضرورت تحمل و مراعات متقابل انسانی را ایجاب می‌کند و «اصل مسئولیت» را پدید می‌آورد، بدین ترتیب همواره آزادی قرین مسئولیت است که بر اساس آن سرنوشت خوب یا بد انسان رقم می‌خورد.

مسئولیت شرط مسلمانی است تا آنجا که هر کس شبی را به صبح برساند و اهتمام به امور مسلمین نرزد و یا فریادی را بشنود و فریادرسی نکند مسلمان نیست. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۹) بدین معنا که پیامبر (ص) فرمودند: «من أصبح و لم یتهم با مور المسلمین فلیس بمسلم و من سمع رجلاً ینادی للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» یا «کلکم راع کلکم مسئول عن رعیتة» نیز در ارتباط با وظایف و حقوق متقابل حاکم و شهروندان آمده است. در دیدگاه حضرت علی^(ع) منشأ قدرت و حکومت تنها از آن شهروندان یک جامعه است از این‌رو پایداری یک حکومت را با اصلاح کار شهروندان جامعه و پاسخگو بودن و رعایت حقوق و تکالیف متقابل می‌دانست تا جایی که پیامبر قرص‌های شهروندان غیرمسلمان را نیز دستور به پرداخت توسط مسلمان داده و تزییع حقوق آنها را موجب عدم اجابت دعای مسلمان می‌دانسته است.

مسئولیت متقابل حکومت و شهروندان در قانون

باتوجه به مواد قانونی؛ می‌دانیم که ۱- «حاکمیت اساساً متعلق شهروندان است»^۱ و ۲- «هیچ

^۱ - مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۲۲ اوت ۱۷۹۵

فردی یا هیچ گروهی از شهروندان نمی‌تواند حاکمیت را از آن خود براند» چرا که ۳- «قانون اراده عام است که توسط اکثریت شهروندان یا نمایندگان آنان بیان می‌شود» لذا ۴- «اعلامیه حقوق مشتمل بر تعهدات قانونگذاران است یعنی برای حفظ جامعه لازم است اعضای تشکیل- دهنده آن، تکالیف خود را بشناسند و انجام دهند» با این وجود، هر شهروندی در قبال جامعه خود وظایف و تکالیفی دارد که ۵- «تعهدات هر کس در برابر جامعه عبارتست از دفاع از جامعه، خدمت به آن، اطلاعات از قوانین و احترام به سازمان‌های اجتماعی پس کسی می‌تواند تکالیف متقابل خود را نسبت به شهروندان و جامعه درست انجام دهد که شهروند خوبی باشد، لذا کسی که پدر خوب، برادر خوب، دوست خوب، همسر خوب، نباشد شهروند خوبی نیست» و در انجام تکالیف متقابل نمی‌تواند اثربخش باشد؛ بنابراین آنچه گذشت «هر شهروندی باید به وطن خود و حفظ آزادی و برابری و مالکیت خدمت کند و هرگاه قانون برای دفاع از این اصول وی را بخواند باید پاسخ مثبت دهد».

حق آزادی عقیده و بیان

در دین اسلام، آزادی نطق و بیان و قلم از حقوق مسلم افراد به شمار می‌رود. (هاشمی، ۱۳۸۴:۳۴۸) بدین معنا که، شهروندان می‌تواند آزادانه اندیشه‌ها و افکار خود را بیان کنند قرآن کریم برای حق آزادی بیان می‌فرماید: «خلق الانسان علمه البیان» یعنی انسان را خلق کرد و به او بیان یاد داد.^۱ باز می‌فرماید: «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» یعنی کسانی که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند.^۲

سرچشمه چنین حقی این است که تا همه شهروندان بتوانند با گفتگو و بیان از مقاصد یکدیگر آگاه شوند و تبادل اندیشه کنند و از رازهای جهان پرده بردارند و به دیگران نیز آگاهی بخشند تا به این وسیله تمدن بشری پیشرفت کند و جامعه اسلامی سالم و ایمن بماند اما آنچه روشن است این است که نقش زبان و بر کسی پوشیده نیست.

لذا ممکن است حق آزادی بیان در جوامع اقتدارگر در ابتدا مشکلاتی ایجاد کند و اهل بیان نتواند سخن خود را بیان و از وحشت اختناق بترسند اما درباره حق آزادی بیان نیز امام علی^(ع) در مقابل چاپ لوسان روزگار برای این حق مسلم شهروندان یعنی حق آزادی بیان چنین می‌فرماید: «با من سخنان را که برای (خوش آمد) گردنکشان گفته می‌شود نگویند و.. خشم خود را از من پنهان نمایند و به مدارا و چاپلوسی با من آمیزش نکنید گمان مبرید اگر

^۱ - سوره رحمان، آیه ۳ و ۲.

^۲ - سوره زمر، آیه ۱۸ و ۱۷.

درباره من حقی بگوئید بر من دشوار آید و گمان نکنید که می‌خواهم خود را بزرگ جلوه دهم. اگر کسی سخن حقی را به او گفته شد و با عدلی را که به او عرضه شد دشوار شمرد بی‌گمان عمل به حق و عدل برای او دشوارتر است پس از گفتن حق و مشورت به عدل از من خودداری ننمایید؛ زیرا من آنچنان برتر نیستم تا از خطا مصون و در رفتار ایمن باشم. مگر آنکه خدا مرا بر نفس خود مسلط کند. (رضی، ۱۳۸۶: ۶۸۶-۶۸۷) درباره آزادی بیان نیز پیامبر^(ص) فرمودند: «هیچ امتی که در آن با صراحت و بی‌لکنت حق ناتوان از زورمند باز گرفته نشود از ستم پاکسازی نخواهد شد.» (همان: ۱۰۲۱)

اصل ۲۳ قانون اساسی می‌گوید: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. یکی دیگر از حقوق طبیعی شهروندان داشتن عقیده است. عقیده‌ای آزاد، خواه عقیده مذهبی باشد خواه عقیده سیاسی بدون تحمیل و اجبار حق تک تک شهروندان جامعه می‌باشد.

کسی نمی‌تواند بر دیگری عقیده یا اندیشه تحمیل کند چون بشر اراده و اختیار دارد و سود و زیان‌اش به خودش باز می‌گردد و برای همین است که دین اسلام هم اجبار و اکراه را قبول ندارد. قرآن در این باره نیز می‌فرماید: «و قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن و من شاء فليکفرانا اعتدنا للکافرين نارا» یعنی و بگو این حق از پروردگار شماست هر که خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد منکر شود که ما برای ستمکاران آتشی فراهم کرده‌ایم.

در ماده ۱۹ متن اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشارات اطلاعات و افکار به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد، در اصل ۲۳ قانون اساسی نیز «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذ قرار داد».

هر فردی که در یک کشور زندگی می‌کند چه مرد باشد چه زن باشد، کودک، مسلمان یا غیرمسلمان او یک شهروند به حساب می‌آید و حق دارد که بتواند حقوق خود را برای تأمین نیازی مادی و معنوی به دست آورد و به زندگی خود ادامه دهد تا زمانی که عمل او سبب آشفتنی نظم عمومی نگردد.

یکی از موارد حقوق مذهبی شهروندان داشتن آزادی عقیده، وجدان و مذهب می‌باشد که هر شهروندی بتواند از آن بهره‌مند شود و بتواند شعایر دینی و مذهبی خود را انجام دهد. برای مثال، شهروندان بتوانند سوگواری کنند اما مبنای این آزادی عقیده و مذهبی همان

اختیار و انتخاب و عقل و شعور است که به شهروندان اجازه می‌دهد، بتوانند امور دینی و مذهبی خود را انجام دهد و از این حقوق بهره‌مند شوند.

استنادات زیادی در این باره وجود دارد برای نمونه دین زرتشت درباره آزادی در گزینش دین می‌گوید: «ای مردم! بهترین سخنان را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه‌ای روشن و ژرف‌بینی آنها را بررسی کنید هر مرد و زن [هر شهروندی] راه نیک و بد را شخصاً برگزند». (بسته نگار، ۱۶:۱۳۸۶)

قرآن نیز می‌فرماید: «أفانت تکره الناس حتی یكونوا المومنین» یعنی «آیا شما مردم را مجبور می‌سازید که مسلمان شوند؟»^۱ یا می‌فرماید: «لا اکراه فی دین قد تبین الرشد من الغی» به این معنی که «در دین اجبار نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است»^۲ در جای دیگر می‌فرماید: «إما شاکراً و إما کفوراً» یعنی خواه سپاسگزار باشید خواه کافر. یعنی در حقیقت شما اختیار دارید راه خود را انتخاب کنید.

در قانون اسلامی جمهوری اسلامی نیز که برآمده از آیات قرآن و فقه امامیه است، احترام به حقوق مذهبی شهروندان مورد تأکید واقع شده است. برای مثال در اصل دوازده قانون اساسی آمده است «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند».

اصل ۱۹ قانون اساسی می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردار و رنگ و نژاد و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» اصل ۲۳ نیز تفتیش عقاید را ممنوع می‌داند و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

در قوانین حقوق بشر نیز چنین است و بارها احترام به عقاید مذهبی دیگران مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۲۶ اوت ۱۷۸۹ می‌گوید: «هیچ کس نباید به سبب عقاید خود حتی عقاید مذهبی آزار داده شود به شرط آنکه با تظاهر به عقیده. نظم عمومی مستقر شد به وسیله قانون را مختل نسازد و ماده ۱۱ همین قانون می‌گوید: «آزادی بیان، افکار و عقاید گرامی‌ترین حقوق بشر است بنابراین همه شهروندان می‌توانند آزادانه سخن بگویند، بنویسند و نوشته خود را چاپ کنند».

^۱ - سوره یونس. آیه ۹۹

^۲ - سوره بقره، آیه ۲۵۵.

بر اساس آنچه که در بالا آمده می‌توان گفت که دین اسلام دینی فطری، دادگستر و متناسب با طبیعت انسان است و هر شهروندی بر اساس اختیار و اراده خود حق دارد دین، فکر، عقیده و مذهب خود را انتخاب کند تا جایی که حتی نتوان وحی را بر او تحمیل کرد.

نتیجه‌گیری

در گذشته افرادی که در شهر زندگی می‌کردند ظاهراً شهروند بودند و از حقوق و مزایای شهروندی بهره‌مند می‌شدند اما امروزه افرادی که در یک کشور زندگی می‌کنند، شهروندان آن کشور به حساب می‌آیند و از حقوق مساوی برخوردارند و در برابر این حقوق در برابر شهروندان و سازمان‌ها نیز تکالیف متقابلی دارند؛ حقوق و تکالیفی که همراه با آگاهی و مسئولیت‌پذیری و رفتار شهروندی است.

اما شهروندی در طول زمان‌ها به صورت خاصی بوده و مفهوم خاص خود را داشته است. در گذشته حقوق شهروندی به صورت حاکم و رعیتی، برده‌داری و خانی بوده است، چرا که وظایف و حقوق و تکالیف افراد از شفافیت لازم برخوردار نبوده و مسئولیت‌ها و وظایف نیز مشخص نبوده. اما امروزه با گذشت زمان و پیشرفت علم و آگاهی، مردم از حقوق و تکالیف خود در قبال سازمان‌ها و دولت آگاهی یافته‌اند تا جایی که حقوق شهروندی با ابعاد گوناگونش و با مسایل و مبانی خاص خود پیشرفت کرد و شفاف شد؛ در حالی که در گذشته حقوق شهروندی به عنوان حقوق ارباب و رعیتی مطرح بوده آن هم به صورت پراکنده در برخی از متون ادبیات قدیم فارسی و در دین زرتشت و ایران باستان و منشور کورش کبیر و در غرب نیز در یونان و رم در اسلام نیز با ظهور پیامبر^(ص) و نمونه‌های آن در نامه‌هایی است که اکنون موجود است.

تا جایی که در ایران امروز ما نیز حقوق شهروندی در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید که این هم‌نمایی از تاریخچه حقوق شهروندی در کشور ما به حساب می‌آید. اگرچه حقوق شهروندی در کشور ما راه درازی برای پیمودن دارد ولی حقوق شهروندی نیاز امروز جامعه و کشور ما برای سربلندی و توسعه و رسیدن به الگوی واقعی که امام علی^(ع) در نظر داشت و امام خمینی^(ه) هدفش بود می‌باشد.

نیازهایی که دارای ابعاد گوناگون مدنی، قضایی، سیاسی، و... با مسایل خواص و متعدد می‌باشد که چنین نیازها و مسایل در قوانین موضوعه و مدون و اساسی ما نیز پیش‌بینی شده است. برخی از این نیازها مانند نیاز به امنیت، نیاز به احترام، نیاز به شکوفایی و... می‌باشد. چرا که رفع چنین نیازهایی از ویژگی‌های فطری و ذاتی انسان‌هایی است که عضو یک جامعه‌اند و صرف‌نظر از هرگونه خصوصیات دینی، نژادی، قومی و غیره می‌بایست با داشتن استاندارد-

هایی از این حقوق انسانی متناسب با حفظ کرامت ذاتی بهره‌مند شوند تا فایده و اثر برخورداری از چنین حقوقی بتوانند آزادی در عمل برای شهروندان به وجود آورد و از جان و مال و ناموس شهروندان در برابر تعدی و تجاوز قانون‌گریزان دفاع کند و شهروندان را در جامعه مسئولیت‌پذیر سازد که همه این‌ها هنگامی میسر می‌گردد که دیدگاه‌های حقوق شهروندی را که برخی کلی و برخی جزئی و فردی و اجتماعی‌اند در خدمت جامعه توسعه یافته و شهروندان آگاه و فعال و مسئولیت‌پذیر در نظر گرفته شود و بتوان با رعایت حقوق انسان‌ها از جمله حقوق بشر و حقوق شهروندی گامی در جهت اعتلای شریعت محمدی و پیروزی انقلاب اسلامی همراه با توسعه و تمدن برداشت.

منابع فارسی

- قرآن کریم
- آریانپور کاشانی، عباس، فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، بی تا
- ابراهیمی، جهانبخش (۱۳۸۳)، سیری در حقوق بشر، تهران، زوار
- بسته نگار، محمد (۱۳۸۶)، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)، انقلاب اسلامی، قم، نشر معارف
- خلیلیان، خلیل (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل اسلامی، تهران، فرهنگ اسلامی
- خمینی، روح‌ا... (۱۳۷۸)، عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، جلد ۲، تهران، نشر آثار امام
- رحمتی، حسین (۱۳۸۴)، محشای قوانین و مقررات حقوق شهروندی، تهران
- رضایی‌پور، آرزو (۱۳۸۶)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، تهران، آریان
- رضی، شریف (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶)، فقه سیاسی، جلد ۱، تهران، امیرکبیر
- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۶)، حقوق شهری، تهران
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر پایدار
- مفتاح، محمدصالح، سایت باشگا اندیشه
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان